

پیش‌خوان

گذر و نظری بر اثر «خاطراتی از اللهبیار صالح»

ملی‌گرای متفاوت در آئینه روایت‌ها

■ علی‌احمدی فراهانی

اثر تاریخی «خاطراتی از اللهبیار صالح» که دربردارنده خاطره‌ها و ناگفته‌هایی از منش او است، برای نخستین بار در سال ۱۳۶۴ به بازار نشر عرضه شد هم ایک چندی است که چاپ دوم آن نشر یافته است. دکتر سید مرتضی مشیرگردآورنده این اثر، درباب پیشینه تدوین این کتاب در مقدمه آورده است: «سابقه ارادت نگارنده به شادروان اللهبیار صالح، یار وفادار دکتر محمد مصدق بیش از ۳۰ سال بود و وقتی این ارادت مزید شد که چند سال قبل به ملازمت دوست مشترک آقای حبیب‌الله ذوالقدر، بعد از مدت‌ها خدمت آقای صالح رسیدیم و انقدر مرتب و محرمت کردند که این جلسات تکرار شد و اگر همه هفته به حضورشان نمی‌رسیدم، سعی می‌کردم هر دو هفته یک بار ایشان را ملاقات کنم و درینا آخرین دیدار در روز دوشنبه ۱۰ فروردین ۱۳۶۰ در حالی انشاق افتاد که معزی الیه صحیح و سالم بودند، ولی متأسفانه دو روز بعد با احساس کسالتی مختصر و شدت یافتن درد در روز ۱۱/۱۲/۱۳۶۰ در فانی روادع گفتند و عوم دوستداران و علاقه‌مندان را داغدار ساختند.

سیدمرتضی مشیر در ادامه دیباچه خویش درباب سوابق علمی و سیاسی و اجتماعی اللهبیار صالح آورده است:

۱- مر حوم اللهبیار صالح در سال ۱۳۱۵ هجری قمری دیده به جهان گشود و هنگام مرگ ۸۵سال عمر کرده بود.

۲- تحصیلات مقدماتی و زبان فرانسه و عربی را در مدرسه علمیه کاشان به پایان رسانیدند و سپس به تهران آمدند و تا آن زمان به زبان انگلیسی آشنایی نداشتند.

۳- در سال ۱۹۱۴ میلادی (۱۲۹۳ شمسی) وارد کالج امریکایی‌ها(دربستان البرز) شدند و کلاس‌های هفتم، هشتم و نهم را یک ساله به اتمام و با احراز شاگرداولی دوره دوم متوسطه را در طول سه سال با حفظ نمره اولی در سال ۱۹۱۸ (۱۲۹۷ شمسی) به پایان رساندند. آقای صالح سالیان دراز و حتی تا این اواخر رئیس جامعه فارغ‌التحصیلان کالج البرز بودند و از همدرسه‌های ایشان مر حوم علی‌اصغر حکمت، وزیر سابق فرهنگ بود که چون هر دو به مقام وزارت رسیدند.

۴- بعد از فراغت از تحصیل تا سال ۱۳۰۶ سمت مترجمی زبان انگلیسی را به عهده داشتند و سپس در سال ۱۳۰۶ که داور به وزارت دادگستری منصوب شد، آقای صالح هم خدمات خود را در عدلیه جدید با مقام مستنطق(بازپرسی) آغاز کردند تا قاضی محکمه استیفاء و ریاست دیوان کفر ا ارتقای مقام یافتند.

۵- بعد از رفتن داور به وزارت دارایی آقای صالح هم به آن وزارت‌تخانه منتقل شدند و به ترتیب در سمت ریاست اداره کل خانیات و تریاک و سپس مدیر کل گمرک خدمت کردند.


۶- بعد از درگذشت داور آقای صالح معاون وزارت دارایی شدند و در اواخر سلطنت رضاشاه مودبی‌مهری قرار گرفتند و از کار کناره‌گیری کردند.

۷- در سال ۱۳۲۰ مقران با حمله متفقین به ایران آقای صالح به عنوان مأمور فوق‌العاده برای برقراری روابط اقتصادی عازم امریکا شدند که در همین زمان رضاشاه از سلطنت مستعفی شد و چندی بعد با سمت وزارت دارایی برای نخستین بار در کابینه قیوام‌السلطنه عضویت یافتند.

۸- آقای صالح در دولت‌های بعد از شهر یو ۲۰ کراراً در مقام وزارت با خوش‌نامی و حسن شهرت انجام وظیفه کردند و در دوره شانزدهم که جبهه ملی تشکیل شده بود و ایشان جزو پایه‌گذاران آن بودند و به اتفاق دکتر مصدق و یارانش به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شدند و در جریان ملی شدن نفت نقش آقای صالح به زعامت دکتر مصدق بسیار مؤثر بود و بعداً مقام وزارت کشور را در دولت رهبر جبهه ملی به عهده گرفتند.

۹- در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آقای صالح، سفیر کبیر ایران در امریکا بودند که بلافاصله با وجود اصرار و تقاضاهای شاه و زاهدی از این سمت استعفا کردند تا به قول خود با مصدق پیمان شکنی نکرده باشند.

۱۰- در انتخابات دوره بیستم آقای صالح به‌رغم مخالفت شاه و دولت وقت به نمایندگی مردم کاشان در مجلس شورای ملی انتخاب شدند که مجلس مذکور بعد از مدت کوتاهی به خاطر وجود ایشان منحل شد، زیرا شاه و زمامداران وقت تاب و تحمل انتقادات او را نداشتند.



نورتنوع

■ نیما احمد پور
محرم هر سال، همواره یاد آور قیام، مجاهدت و فداکاری‌های امام حسین(ع) و یاران وفادارش برای زنده نگه داشتن اسلام بوده است. البته محرم سال ۱۳۴۲ش با سال‌های پیش از آن متفاوت بود و به‌رغم اینکه در این سال رژیم سخنرانان را محدود کرده بود، واعظان و سخنرانان بارهنمود و هدایت رهبر قاطع خود، امام خمینی ضمن روضه‌خوانی و برپایی عزاداری امام حسین(ع) با الهام از قیام کربلا به منابر خود رنگ سیاسی می‌دادند و مردم را در مبارزه با حکومت آگاه می‌کردند. در این باره بازار و مساجد داخل آن فوق‌العاده فعال بود، به‌خصوص انقلابیونی که از هر فرصتی برای مبارزه خود استفاده می‌کردند. یکی از منبرهای بسیار مهم این دوران منبرهای فلسفی در مسجد آذربایجانی‌ها در دهه اول محرم، به‌خصوص شب عاشورا بود. با توجه به موقعیت مهم مسجد آذربایجانی‌ها در بازار و حضور واعظ معروفی همچون مر حوم حجت‌الاسلام والمسلمین فلسفی در آن به‌طور قطع می‌توان اهمیت اجتماعات و جریانات این مسجد در آن دوران را دریافت، زیرا مدتی از شروع فعالیت الهام از اعتقادات دینی و رهنمودهای حضرت امام و پایگاه قرار دادن مساجدی نظیر مساجد بازار می‌گوشیدند در برابر اقدامات و رفتارهای ناپهناجر رژیم ایستادگی کنند. محرم سال ۱۳۴۲ش از آن جهت با محرم سال‌های رژیم تفاوت داشت که به‌رغم محدودیت‌های رژیم برای سخنرانی واعظان در راستای عمل به وظایف شرعی و دینی خود و آگاه‌سازی مردم در اماکنی مثل مساجد منبر می‌رفتند. ■■■

مسجد آذر بیجانی‌ها کانون مبارزه در محرم سال ۴۲
مسجد آذربایجانی‌ها در محرم آن سال فعال بود و حال و هوای دیگری داشت. ۱۰ شب سخنرانی فلسفی و کلمات کوبنده مر حوم فلسفی، به‌خصوص در شب تاسوعا و عاشورا و آن استیضاح معروف دولت و حضور چشمگیر مردم در این مسجد نه تنها رژیم را تا حد زیادی تحت فشار قرار داد، بلکه عظمت این حرکت تا سال‌های بعد از آن هرگز از خاطره‌ها بیرون نرفت. در آن دوران معمولاً در هر جایی که منبر یا میتینگ اجتماعی بود نیروهای پلیسی و امنیتی به‌منظور بر خورد و شناسایی نیروهای مبارز و ارائه گزارش به مقامات بالاتر در آن محل حضور داشتند. مسجد آذربایجانی‌ها نیز از این قاعده مستثنی نبود و مأموران با حضور در آن گزارش‌های شایان توجهی

سخنرانی‌های آقای فلسفی در مسجد آذر بیجانی‌ها تا روز پانزدهم خرداد برابر با یازدهم و دوازدهم محرم برگزار شد. به گزارش منابع ساواک در این دور روز حداقل ۱۰۰ هزار نفر به نطق آقای فلسفی گوش دادند. در این مجالس شعارهای ضد حکومتی سر داده و اعلامیه‌ها و عکس‌های حضرت امام خمینی به صورت وسیعی بین مردم توزیع می‌شد

گذری بر کارنامه مبارزاتی مسجد آذربایجانی‌های تهران در آغاز نهضت اسلامی

استیضاح دولت در شب عاشورا!

تنظیم کردند که می‌توان از لابه‌لای آن گزارش‌ها اطلاعات قابل توجهی به دست آورد. البته خاطرات افراد حاضر در جلسات و دست‌اندرکاران آن نیز در خور توجه است. در اینجا با توجه به اهمیت سخنرانی‌های مر حوم فلسفی در این مسجد و حساسیت آنها در آن روزها، ابتدا به خاطرات مکتوب و شفاهی افراد حاضر در آن جلسه اشاره می‌کنیم و سپس گزارش‌های روزانه ساواک را به بررسی می‌نشینیم.

■ روایت مر حوم فلسفی از جلسات مسجد آذربایجانی‌ها در محرم ۴۲

با توجه به محور بودن سخنرانی‌های مر حوم حجت‌الاسلام والمسلمین فلسفی در مسجد آذربایجانی‌ها در محرم سال ۴۲، ابتدا به نقل خاطرات او در این باره می‌پردازیم:

«.. قبل از اینکه سخنرانی تاریخی شب عاشورای آن سال در خصوص استیضاح ملی دولت علم مطرح شود، باید توضیح دهم که چون می‌دانستم مسجد شیخ عبدالحسین مرکز فعالیت‌های الهی و اسلامی است و مجلس آن مورد رضایت باری تعالی خواهد بود برای اینکه منبرهای متعدد دهه اول محرم خستام نکند و بتوانم آن منبر را با سلامت و نشاط کامل اداره کنم، برخلاف سال‌های پیش مجالس متعدد قبل از ظهر و بعد از ظهر را وعده ندادم. شاید فقط یک منبر قبل از ظهر و یک منبر بعد از ظهر را قبول کردم. بعد از مسجد شیخ عبدالحسین به مسجد معیر هم یک منبر وعده دادم، وقتی مسجد شیخ عبدالحسین تمام می‌شد، از بازار پاچنار می‌آمدم و با ماشین به خیابان خیام که به مسجد معیر نزدیک بود، می‌رفتم...»

البته نقطه تمرکز منبرهای تبلیغاتی و سیاسی مر حوم فلسفی در مسجد شیخ عبدالحسین بود، همو خاطراتش را از منبرهای ماه محرم و استقبال مردم از آن شب چنین بیان می‌کند: «شب اول محرم در مسجد شیخ عبدالحسین بحثی را آغاز کردم. الان یادم نیست مطالب چه بود، اما آنچه به خاطر دارم این است که هر شب جمعیت بیشتر می‌شد و کار به جایی رسید که زیر گنبد و شبستان آن مسجد و مدرسه شیخ عبدالحسین که بناپی جدا و مرکز طلاب است، مملو از جمعیت بود. نه تنها این جاها بلکه بازار هم که خط سیر مسجد و مدرسه شیخ عبدالحسین بود از جمعیت موج می‌زد. از شب هفتم و هشتم در بازار خیاط‌ها، بازار کفاش‌ها، جلوی خیابان خیام و تمام زوایای مختلف هر جا که ممکن بود بلندگوهایی متعددی نصب کردند. الان مثل اینکه مقابل چشمانم است.»

این منبرها به قدری اهمیت داشت که نخست‌وزیر و رئیس سازمان امنیت کشور و بعضی از امیران ارتش نیز برای کنترل اوضاع در مسجد حضور

به‌شدت مورد حمایت حاضران قرار گرفت و با سه بار تکرار جمله «صحیح است» آن را به تصویب خود رساندند. در این استیضاح مطالبی همچون لزوم دخالت در امور سیاسی و اجتماعی کشور، آزادی برپایی مراسم عزاداری، نظارت روحانیون بر مصوبات مجلس و دولت، تنبیه عاملان فاجعه دوم فروردین ۱۳۴۲، برپایی انتخاباتی آزاد و... بیان شد و مورد تأیید حاضران قرار گرفت. مر حوم فلسفی با شجاعت و صراحت به انتقاد از عملکرد دولت پرداخت، به گونه‌ای که روز بعد حضرت امام نامه تشکر آمیزی برای ایشان ارسال کرد.^(۱) این جلسه سخنرانی و استیضاح دولت تأثیر زیادی روی مردم گذاشت، به طوری که ضمن فراهم کردن زمینه برای قیام مردمی در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، آنها را نسبت به عملکرد رژیم در قبال مسائل مهم مملکتی و مسائل مذهبی حساس کرد.

■ روایت حاضران از جلسه استیضاح

علی‌اکبر محتشمی‌پور یکی از افرادی بود که آن ایام در جلسه‌های سخنرانی فلسفی شرکت داشت. وی در خاطراتش در باره این ماجرا چنین می‌گوید: «در استانه محرم بودیم و محرم آن سال مصادف با ماه خرداد بود. در این مرحله – دهه محرم –بازار تهران یکی از محورهای قیام و حرکت جابرمی‌خاست. مسجد آذربایجانی‌ها در بازار تهران یکی از مراکز بسیار قوی علیه شاه بود. جمعیت کثیری در تاسوعا و عاشورا دولت علم را در آن مسجد استیضاح کردند. اگر شاه عاقل بود، همان شب علم را برکنار می‌کرد و می‌فهمید این حرکت ساده نیست. آن شب‌ها به این مسجد

می‌یافتند: «شب نهم محرم، یعنی روز هفتم بعد از نماز مغرب و عشا که منبر می‌رفتم، دیدم روبه‌رویم اسدالله علم، نخست‌وزیر وقت و نصیری در بالاخانه‌ای روی ایوانی که برای نماز فرادا ساخته‌اند روی صندلی و مقابل منبر نشسته بودند. علاوه بر ساواکی‌ها بعضی از امیران ارتشی را نیز که در مجالس ترحیم و مقابله منبر نشسته بودند. علاوه بر ساواکی‌ها با لباس نظامی دیده بودم، آن شب با کت و شلوار دیدم که در همان فشار طاقت‌فرسا بیسن مردم نشسته بودند. قیافه بعضی از آنها را می‌شناختم. آنهایی را که نمی‌شناختم، بسیار بیشتر بودند. نمی‌دانم چقدر مراقب داشتند، اما گفتند تمام پله‌ها را قبلاً ساواکی‌ها اشغال کرده بودند. آنها عصر همان روز آمده بودند تا زمینه آمدن علم و نصیری را مهیا کنند. در آن شب، یعنی شب نهم محرم، شب تاسوعا حرف‌هایی را که باید و شاید بزنم زدم، اما نه در سطح شب عاشورا. حرف اصلی را برای شب عاشورا گذاشتم. بند گان خدا با کمال علاقه و اشتیاق شب که شب عاشورا است نتیجه‌گیری بزرگ و مهم ما از این مجلس خواهد بود. در آن شب جمعیت به قدری زیاد بود که نتوانستم از میان مردم و از اول بازار به مسجد بیایم، لذا از طریق پشت‌پام به طرف مسجد رفتم و از روی ماه مسجد به پایین آمدم. این مبالغه نیست اگر بگویم مردم آن قدر با فشار نشسته بودند که حین عبور به‌ناچار پاس‌وری زانوهای مردم می‌گذاشتم. بند گان خدا با کمال علاقه و اشتیاق می‌گفتند: آقا روی زانوهای ما بگذار پدا و استقبال می‌کردند که از این زانو به آن زانو به منبر برسیم. من هم به‌ناچار همین‌طور پیش رفتم تا به منبر رسیدم!

متن سخنرانی آن شب عاشورا در نوار موجود و خیلی تکثیر شده است. بعدها این سخنرانی تاریخی به صورت یک جزوه توسط یک مؤسسه مطبوعاتی چاپ شد.»

■ استیضاحی که در تاریخ ماند
مر حوم فلسفی در این سخنرانی ضمن انتقاد از دولت به سابقه قیام مشروطه و حاکم شدن قانون در کشور اشاره کرد. همچنین کثرت مردم در مدرسه فیزیه قم را به‌شدت تقبیح کرد و آن را مخالف قوانین شرعی و هتک حرمت قرآن دانست و خواستار تعقیب عاملان آن و دخالت بیشتر علما در امور مذهبی و تعیین نرسوشت سیاسی کشور شد. در پایان این سخنرانی مهیج نیز حجت‌الاسلام فلسفی اهداف سخنرانی خود را طی اعلامیه‌ای در هفت مورد بیان کرد که حاضران آن را با پاسخ «صحیح است، صحیح است» تأیید کردند. بعد از اتمام مراسم مقداری اعلامیه‌ا از آیت‌الله خمینی، خوبی و میلانی توسط چند نفر توزیع شد.^(۲)

مجلس سخنرانی آقای فلسفی در شب عاشورا از ویژگی خاصی برخوردار بود. آن شب بحث استیضاح دولت و لزوم اصلاح عملکرد دولت عنوان شد که دولت باید به آن جواب بدهد، به‌خصوص حوادث قم، حمله‌ای که به مدرسه فیزیه شد مطرح کردند که بعدها نوارهایش در همه جا پخش شد و دست به دست می‌گشت. حتی بلافاصله آن نوار را برای حضرت امام به قم برند و ایشان گوش دادند.»^(۳)

آقای سید باقر خسروشاهی نیز در این‌باره می‌گوید: «یادم است سن کمی داشتم و بچه بودم که حدود سال ۱۳۴۲ش پای منبر آقای فلسفی حاضر می‌شدیم. مر حوم فلسفی بعد از نماز مغرب و عشا به مسجد شیخ عبدالحسین می‌آمدند و منبر می‌رفتند. تمام سطح بازار، مسجد مدرسه و پشت‌پام‌ها پر از جمعیت می‌شد و یادم می‌آید منبر شب عاشورای ایشان را فردی که خودش را از بعد از ظهر منبر مخفی کرده و یک ضبط‌صوت بزرگ را به آنجا برده بود که دور از چشم ساواکی‌ها باشد ضبط کرده بود. بعداً به عنوان جزوه‌ای که در آن مر حوم فلسفی دولت آن

روزنامه جوان | شماره ۴۱۷۲ | جوان

روز را استیضاح ملی کرده بود چاپ کردند.»^(۴) آقای مهدی سعیدمحمدی هم اظهار می‌دارد: «آقای فلسفی بالای منبر صحت کردند. ابتدا در مقدمه مقداری صحبت کردند و بعد گفتند: امشب می‌خواهیم علم را استیضاح کنیم. ایشان ۱۰ ماده تنظیم کرده بودند که این ۱۰ ماده را یکی یکی می‌گفتند و مردم هم در تأیید سخنانشان «صحیح است، صحیح است» می‌گفتند و خیلی آن شب باعظمت بود. تمام آن جمعیت روی پشت‌پام‌های تمام اطراف مسجد را پر کرده بودند. تا پایان آن مجلس بالای پشت‌پام بودیم تا اینکه ایشان مجلس را ختم کردند و پایین آمدند. مجلس آن شب روی دستگاه اثر عجیبی داشت.»^(۵)

آقای هاشم امانی نیز می‌گوید: «... مسجد آذربایجانی‌ها جریانات خیلی چشمگیری داشت، به‌خصوص در دهه محرم که مر حوم فلسفی واعظ و گوینده خوب، توانمند و واقعاً زبردست در آن ۱۰ شب در آنجا به منبر می‌رفت که این مسجد و اطرافش و بازار اطراف و مدرسه جنب آن پر از جمعیت می‌شد. هیچ زمانی مسجد جنب از موقعیتی به خود ندیده بود. استیضاح معروف در این شب‌ها واقع شد و از مردم برای استیضاحی که می‌کرد با «صحیح است، صحیح است» تأیید می‌گرفت. بعد از این خیلی از آن سخنرانی نوار تکثیر و نوارها به‌صورت گسترده پخش شد. سخنرانی حاوی انتقادات و اعتراضات بسیار توفنده حکومتی بود.»^(۶)

هنگام برپایی مراسم شام غریبان در مسجد ترک‌ها (آذربایجانی‌ها) در حالی که بین ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر در مسجد و اطراف آن حضور یافته بودند مر حوم فلسفی منبر رفت و با استفاده از حال و هوای عاشورایی مردم و همچنین از دحام جمعیت یک بار دیگر حکومت پهلوی را به‌شدت مورد انتقاد قرار داد و عملکرد دستگاه‌های کشور را زیر سؤال برد. حجت‌الاسلام والمسلمین فلسفی همانند شب‌های گذشته از نبود آزادی در مملکت انتقاد کرد و انتخابات برگزارشده را فرمایشی و تقلب‌آمیز خواند. آزادی قلم و مطبوعات نیز از دیگر موارد مورد تأکید آقای فلسفی بود. همچنین ایشان با یادآوری حقوق و آزادی‌هایی که در قانون اساسی مشروطه به مردم داده شده بود خواستار عملی شدن این قوانین شد و ضمن تهدید حکومت گفت: «وقتی غضب مردم به جوش بیاید، دیگر هیچ نیرویی نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد! دولت! با تو هستیم. گفته رسول خداست که می‌فرماید: غضب و خشم ملت

نمونه‌ای از غضب و خشم پروردگار توست.»^(۷) مر حوم فلسفی در پایان این سخنرانی همچنان انگیز از حاضران خواست تا پیمان ببندند هیچ‌گاه و دراز پام ظلم و ستم نمی‌روند و تا به دست آوردن آزادی‌های مشروع خود از آن‌می‌نشینند و مردم نیز با پنج بار تکرار «صحیح است» بر آن صحنه جدا شدند.

■ جلسه استیضاح به روایت اسناد ساواک
سخنرانی‌های آقای فلسفی در مسجد آذربایجانی‌ها تا روز پانزدهم خرداد برابر با یازدهم و دوازدهم محرم هم به همین نحو برگزار شد. به گزارش منابع ساواک در این دور روز حداقل ۱۰۰ هزار نفر به نطق آقای فلسفی گوش دادند. در این مجالس شعارهای ضدحکومتی سر داده شده و اعلامیه‌ها و عکس‌های حضرت امام خمینی به صورت وسیعی بین مردم توزیع می‌شد. این مجالس و سخنرانی‌های آقای فلسفی تأثیر زیادی بر مردم و تهییج افکار عمومی داشت و دولت را بی‌حیثیت می‌ساخت و اعتبار دستگاه‌های دولتی را پایین می‌آورد. همچنین سخنرانی‌های آقای فلسفی سبب شده بود مسجد آذربایجانی‌ها به صورت یک پایگاه مبارزه علیه رژیم پهلوی در آید و دیگر شیخ حسینیعلی راشد روحانی محافظه‌کاری که متهم به ارتباط با دستگاه بود، نتواند آنجا به منبر برود. ساواک طی گزارشی در همین زمان اوضاع مسجد آذربایجانی‌ها را بسیار متشنج و برای حکومت خطرناک دانست و با تأکید از مقامات مسئول خواست به سخنرانی‌های فلسفی و تجمع مردم در مسجد ترک‌ها خاتمه داده شود.^(۸) به هرروی جلسه تاریخی استیضاح دولت در مسجد آذربایجانی‌های بازار تهران، از فرازهای شاخص نهضت اسلامی است که بدون نظر کردن به آن، تحلیل تاریخ انقلاب اسلامی ناتمام خواهد بود.

■ بی‌نوشت‌ها در دفتر روزنامه موجود است.

^[1] تعدادی از شبستان کثوبی مسجد آذربایجانی‌های تهران

^[2] سیدباز آذربایجانی‌های تهران

^[3] سبب